



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱ تیر ۱۳۸۶ - ۲۲ ژوئن ۲۰۰۷

سردبیر این شماره: کورش مدرسی www.hekmatist.com



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

انفصال نهائی فتح و حماس مساله فلسطین چه خواهد شد؟

“کودتا” خواندن اقدام نظامی حماس، کابینه اسماعیل هنیه را منحل اعلام کرد و سلام فیاض، اقتصاددان “مستقل” و وزیر اسبق دارائی، را مامور تشکیل یک کابینه اضطراری کرد. این کابینه فوراً تشکیل شد و “سوگند” خورد و به این ترتیب پارلمان فلسطین، که اکثریت آن با حماس است، را دور زد؛ قرار است

آنچه در این هفته در فلسطین گذشت، تحولات برجسته ای بود که بازتاب و پیامدهای آن، سریعاً از فلسطین و از صحنه کشمکش فلسطین و اسرائیل فراتر رفت و به سیاست های منطقه و جهان گسترش یافت. این بازتاب سریع و وسیع، یک بار دیگر جایگاه واقعی مساله فلسطین در سیاست خاورمیانه و جهان، و در دل جدالهای خونین جاری را یادآوری کرد. هفته گذشته در پی شش ماه درگیری میان نیروهای مسلح فتح و حماس، همه مواضع و دفاتر فتح در نوار غزه توسط حماس برچیده شد. حماس سلطه یگانه خود را بر سراسر غزه تحمیل کرد. این اقدام، بلافاصله به عمر کوتاه کابینه ائتلافی پایان داد. محمود عباس رئیس حکومت فلسطین، با

صفحه ۳



اعتراضاتی را متوجه خود کرده است. در سایت آزادی بیان تا این لحظه دو مقاله درج شده است؛ یکی به امضای “فعالین جنبش لغو کار مزدی” و با عنوان؛ “شرکت اسانلو در ITF، میعاد توافق بورژوازی ایران و غرب، ...” است. جوهر این

محمد فاتحی

میلیتانت های رفرمیست

به دنبال شرکت آقای منصور اسانلو در کنفرانس اتحادیه های کارگری ترانسپورت در ماه جاری میلادی انتقادات و

صفحه ۴

تغییر آرایش کمیته خارج کشور حزب

صفحه ۶

تغییر در سازمان تبلیغات حزب و در نشریه کمونیست

صفحه ۵

گزارش مراسم هفته حکمت در کانادا

صفحه ۸

جلو این جنایت را باید گرفت!

صفحه ۸

کمک های مالی برای انتشار ضمیمه منتخب آثار منصور حکمت

صفحه ۸

پرووکاتور ها را باید ایزوله کرد

صفحه ۷

قدردانی از مسئولین کمونیست

صفحه ۷

سومین کنفرانس تشکیلات کانادا

کورش مدرسی ضرورت تغییرات پایه ای در آرایش و عمل حزب حکمتیست

حزب حکمتیست از ابتدای شکل گیری خود همواره بر ضرورت ایجاد یک حزب سیاسی کمونیست توده ای مدرن و با دیسپلین که لولا و محمل جابجائی قدرت در جامعه است تاکید داشته است. بخش

صفحه ۲



کورش مدرسی

یادداشت های سیاسی

۱ - هیچ کس نبود نجات شان دهد

دعا، دختر ۱۷ ساله ای به جرم عشق ورزیدن در کردستان عراق در مقابل چشمان انسان هائی که اشک میریختند سنگسار شد. سنگسار کنندگان لااقل علنا ماموران دولت نبودند. مرتجعین محلی بودند که برای اعمال نرم ها و فرهنگ و اخلاقیات ضد انسانی خود و برای ارباب سایرین دعا را کشتند.

بشریت آزادیخواه قرار میگیرد.

اما واقعیت تلخ این است که کسی نبود باناز و دعا را نجات دهد و کسی نیست بانازها و دعاها را نجات دهد. واقعیت تلخ دنیای امروز نشان میدهد که برای دفاع از انسانیت باید قدرت داشت. قدرتی که ارتجاع بر دنیا اعمال

میکند را تنها با قدرت میتوان پاسخ داد. تا وقتی که فعالیت کمونیستی از لندن تا تهران و اربیل به معنی دادن قدرت دفاع به دعاها و بانازها قبل از قتل شان نباشد کار ارتجاع کشتن و اعمال قدرت، کار انسانیت اعتراض و افشاگری و سرنوشت دعاها و بانازها یا کشته شدن و یا تسلیم به این ارتجاع لجام گسیخته مرد سالارانه است. جای کمیته های کمونیستی و جای

گارد آزادی خالی که فضا را آنقدر از نظر سیاسی، اجتماعی و مکانیسم های ارباب بر مرتجعین تنگ کنند که لااقل جرات

باناز دختر ۱۹ ساله ی کرد که عاشق شده است در قلب لندن با دسیسه مردان خانواده و همکاری “اهلی کرد محل” کشته میشود و جنازه او در چمدانی چپانده و در حیات خلوط خانه ای دفن میشود. قاتلین اینجا هم دولت نیستند. ماموران خود گمارده ارتجاع اسلامی ناسیونالیستی مرد سالارانه هستند که قانون خود را اعمال میکنند.

اینها تنها دو نمونه کوچک از جنایاتی است که هر روزه بر زنان در سراسر دنیا اعمال میشود. اینها جنایاتی است که به حق مورد اعتراض و افشای

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بقیه یادداشت سیاسی

دست درازی اینگونه وقیحانه و جنایتکارانه به انسان ها را نداشته باشند. افشاگری و اعتراض کافی نیست باید مردم را علیه مرتجعین متحد کرد و باید با قدرتی ظاهر شد که جرات دست درازی به انسان ها را از جنایتکاران گرفت. این مبنای تحزب کمونیستی ما است.

۲ - جناب سلمان رشدی خان میر آخور، اشرافیت خر مرد رند و مسلمانان آزرده

اهدای عنوان شوالیه گری به سلمان رشدی یکی از اقدامات حساب شده دولت انگلیس برای برگرداندن فضا علیه اسلام سیاسی در خود انگلیس است. در مقابل اعتراض وقیحانه جریانات اسلامی و در غیاب یک نیروی چپ انسانی در اروپا بخش زیادی از افکار عمومی آزادخواهانه به دفاع از سلمان رشدی و تایید

علنی یا ضمنی سیاست اهدای شوالیه گری رسیدند. شوالیه گری چیزی معادل اهدای القابی نظیر خان و الدوله و میرآخور و قمه کش دربار از طرف اشرافیت قدیمی انگلیس است به تازه به دوران رسیده های بورژوا است برای هضم آنها در سیستم ارزشی که درست بر همین مبنا کار میکند. در انگلیس هم هر کس که برای حرمت انسان ارزشی جدی قائل است از پذیرش این خلعت سلطنتی خود داری میکند. سلمان رشدی از نظر ادبی شایسته هر جایزه و مدالی هم که باشد از نظر انسانی نشان داد که در جدال میان انسانیت با اسلامیت جناب میرآخور تازه به دوران رسیده ای بیش نیست.

۳ - فلسطین: سه دولت و سه محنت

جنگ میان حماس و الفتح به "پاک سازی" الفتح از

نوار غزه و حماس از ساحل غربی رود اردن منجر شد. فلسطینی ها یک دولت میخواستند ظرف چند روز صاحب دو دولت شدند. طنز تلخ هرچه که باشد، دور جدیدی در مسئله فلسطین و در خاورمیانه شروع شده است. معادله سیاسی و اجتماعی ناشی از وجود دو دولت به معادله سیاسی و نظامی و بویژه انسانی ناشی از سه دولت تبدیل شده است. در پس این تحول یک زور آزمائی، شاید نهائی، برای تحمیل جغرافیای سیاسی مورد نظر بوش و دولت اسرائیل و متحد تازه یافته خود ناسیونالیسم پرو غرب فلسطینی الفتح از یک طرف و جنبش اسلامی حماس است که با اتکا به یاس ناشی از بی خاصیتی و ناتوانی الفتح در مقابل فاشیسم اسرائیلی، فساد مالی و سیاسی تا مغز استخوان آن و بالاخره قدرت نو یافته جریانات اسلامی بعد از شکست آمریکا در عراق قصد

تحمیل خود بر فلسطین را دارد. اخراج حماس از دولت فلسطین توسط محمود عباس یک جبهه بندی جدید را در خاورمیانه شکل داده است. ائتلاف دولت مذهبی اسرائیل و دولت "سکولار" الفتح علیه دولت مذهبی حماس و البته با حمایت مالی و سیاسی آمریکا و اروپا. محمود عباس که با سر به خدمت اهود عمر نخست وزیر اسرائیل میروود حتی از ملاقات با حماس خود داری مینماید. استراتژی اردوی غرب و اسرائیل این است که به فلسطینیان به قبولانند که در سایه حماس گرسنه و بی کار میماند و در پرتو حکومت الفتح مواد غذائی و پولشان را دریافت میکنند! این سناریو پوچ تر و ضد انسانی تر از آن است که شانس موفقیت داشته باشد. اگر استیصال میتوانست مردم فلسطین را به قبول موقعیت درجه دو وادار کند مسئله

فلسطین سالها قبل حل شده بود. اگر دولت اسرائیل میخواست از هویت و توسعه طلبی مذهبی خود دست بردارد مسئله فلسطین به اینجا نمیرسید.

اما حتی اگر تسلیم فلسطینیان به ضرب گرسنگی تحمیلی "دنیای متمدن" پیش برود و مردم قبول کنند که الفتح قدرت است، تازه مردم فلسطین به روزی بر میگردند که الفتح یک تنه در قدرت بود، کلنی های یهودی بر ویرانه خانه و زندگی مردم فلسطین ساخته میشدند، مردم فلسطین در عمق یاس و استیصال به حماس رای دادند. مردم فلسطین اینبار باید بار دارو دسته جدیدی که نام دولت حماس را بخود داده است را هم تحمل کنند. فلسطین یک قدم دیگر به عراقیزه شدن و پاشیدن شیرازه های جامعه مدنی نزدیک شده است.

دادن به چنین حزبی بوده است بلکه غالباً این ناتوانی را تا حد یک فضیلت و یک موقعیت "طبیعی" ارتقا داده است. به اعتقاد ما تداوم این ضعف و این عقب ماندگی سیاسی، اجتماعی و عملی بزرگترین پیروزی و مهمترین اهرم قدرت بورژوازی بر جنبش برابری طلبانه طبقه کارگر بوده است. سازمان دهی و رهبری انقلاب طبقه کارگر در ایران با سازمان دادن و رهبری این انقلاب تاریخی در مضمون و نحوه فعالیت کمونیستی و در خود آگاهی کمونیست ها در هم تنیده شده است، یک پدیده واحد است.

اما ساختن چنین حزبی یک پروژه مدیریت بازرگانی نیست و با مفاهیم نشان می دهد. تئوری های

قدرتمند سیاسی و اجتماعی را به کمونیسم برگرداند کمونیسم ارتدکس مارکس و پراتیسیسم انقلابی لینین است که در این دوره توسط منصور حکمت نمایندگی شده است. نفس حکمتیست نامیدن این حزب تاکید بر این رسالت است. ما خود را حکمتیست نامیدیم تا اعلام کنیم که سایر "قراثت ها"، رگه ها و سنت های کمونیسم مطلقاً و بنا به تعریف فاقد چنین قابلیت هستی هستند؛ این جریانات اصولاً چنین مسئله ای را ندارند که به فکر کسب قابلیت حل آن باشند.

دادن به چنین حزبی بوده است بلکه غالباً این ناتوانی را تا حد یک فضیلت و یک موقعیت "طبیعی" ارتقا داده است. به اعتقاد ما تداوم این ضعف و این عقب ماندگی سیاسی، اجتماعی و عملی بزرگترین پیروزی و مهمترین اهرم قدرت بورژوازی بر جنبش برابری طلبانه طبقه کارگر بوده است. سازمان دهی و رهبری انقلاب طبقه کارگر در ایران با سازمان دادن و رهبری این انقلاب تاریخی در مضمون و نحوه فعالیت کمونیستی و در خود آگاهی کمونیست ها در هم تنیده شده است، یک پدیده واحد است.

ما همیشه بر این باور بوده ایم که تنها خطی که بالقوه میتواند چنین پایه

ضرورت... اعظم قرارها و مصوبات نهاد های مختلف رهبری حزب و بویژه قطعنامه کنگره اول حزب تحت عنوان "اوضاع سیاسی ایران و مصاف های حزب حکمتیست" و همچنین طرح "کمیتة های کمونیستی" و "گارد آزادی" معطوف به روشن کردن مبانی ساختمان چنین حزبی است.

بدون هیچ اغراق ساختن یک حزب سیاسی با مشخصات فوق عظیم ترین پروژه کمونیسم در تاریخ معاصر جهان بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه است. بعد از شکست قطعی این انقلاب در دهه بیست قرن بیستم چپ رادیکال سنتی نه تنها ناتوان از شکل

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

بقیه از صفحه ۱

کابینه فیاض در آینده مشخص نشده ای ملزومات انتخابات زودرس پارلمان و ریاست جمهوری را فراهم کند.

تحولات روزهای اخیر، گواه انفصال نهائی دو جریان فتح و حماس در سیاست و در حکومت فلسطین است. اکنون عملاً قلمرو حکومتی فلسطین به دو منطقه غزه و کرانه غربی زیر اتوریتته دو کابینه تقسیم شده، که چشم انداز یکی شدنشان بکلی ناروشن است. تا آنجا که به فتح و سازمان آزادیبخش فلسطین برگردد، به نظر

میرسد قاطعانه کمر به تعیین تکلیف با حماس بسته اند و تا همینجا حماس را به یک موقعیت تدافعی و محکوم به انزوای روزافزون، رانده اند. در واقع، دولت مستعجل حماس، چنانکه انتظار میرفت، زیر فشار واقعیات داخلی و خارجی به مراتب قویتری از ساختار "انتخاباتی" و "دمکراتیک" حاکمیت خودمختار فلسطین، عملاً و رسماً در هم شکسته است. حماس از یک نیروی در قدرت، مجدداً به موقعیت یک گروه فشار اپوزیسیونی، ولو میلیتانت، سقوط میکند. دامنه عمل و قدرتی که برد انتخاباتی ژانویه ۲۰۰۶، به حماس داد، در قیاس با موقعیت بالادست سیاسی-اجتماعی فتح و "ساف" بعنوان پرچمدار تاریخی ناسیونالیسم فلسطینی، بسیار محدودتر و شکننده تر از آن بود که رهبران حماس تصور میکردند. علاوه بر این اتفاقات جهانی و منطقه ای یکسال و نیم گذشته، عرصه را بمراتب بیشتر از سابق بر حماس تنگ کرده است.

تحولات اوضاع از آن تا کنون به درجاتی به زبان موقعیت این گردان اسلام سیاسی در فلسطین عمل کرده است: شکست اسرائیل در جنگ لبنان و بحرانی که به همین سبب گریبانش را هنوز رها نکرده است، بن بست روزافزون آمریکا در عراق، شکست بوش و جمهوریخواهان در انتخابات آمریکا و روی آوری ناگزیرشان به توصیه های راپرت بیکر-همیلتن در زمینه سیاست خاورمیانه و حل مساله فلسطین، اجبار آمریکا به بازی دادن مجدد گروه چهار (آمریکا، اروپا، روسیه، UN) در خصوص مساله فلسطین، دست بالا پیدا کردن جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در برابر آمریکا و غرب و اجبار آمریکا و غرب به توجه به خواستها و سهم خواهی ناسیونالیسم عرب بعنوان یک نیروی منطقه ای و یک حریف شکل دادن به "نظم جدید"، همه این تحولات بعلاوه خصومت و مخالفت شان با عروج حماس، سبب شده است که آمریکا و اسرائیل و اروپا سیاست خود را به سمت راه اندازی مجدد پروسه مذاکره برای حل مساله فلسطین بر اساس راه حل "دو دولت" برگردانند و طبعاً بعنوان

طرف مذاکره محمود عباس و "ساف" را ترجیح می دهند.

به این ترتیب، روندی که از شکست قرارداد اسلو تا مرگ عرفات و بعد از آن، با پافشاری لجوجانه سیاست فاشیستی راست افراطی اسرائیل و در راس آن شارون، به تدریج به عروج حماس کمک کرده بود، اکنون با اجبار آمریکا و اسرائیل و غرب به توجه مجدد به مذاکره برای حل مساله فلسطین، به اضافه تحرک نسبی ناسیونالیسم عرب در دوره اخیر در مقابل با پیشرویهای جمهوری اسلامی و اسلام

سیاسی در منطقه، همگی به زیان موقعیت حماس تغییر کرده است. شکست استراتژی آمریکا و انگلیس در عراق باعث شد که تونی بلر همزمان با شکست انتخاباتی جمهوریخواهان بگوید: راه خروج از بن بست عراق و کل خاورمیانه به حل مساله فلسطین گره خورده است. در حالیکه پیشتر همنوا با بوش بر آن بود که پیشرفت "دمکراسی" در "خاورمیانه بزرگ" از کانال "پروسه دمکراسی در عراق" میگذرد. تجدید نظر نسبی آمریکا و اسرائیل در ارتباط با مساله فلسطین، جزئی از تغییر سیاستی است که در نتیجه بن بست استراتژی قدری نظامی شان در منطقه و بخاطر بهبود موقعیت خود در رقابت با حریفان جهانی و منطقه ایشان به آن تن داده اند.

مساله فلسطین چه خواهد شد؟

مساله فلسطین امروز در چارچوب سیاسی دیگری در قیاس با دوره قرارداد اسلو و حتی "نقشه راه" بوش، قرار گرفته است. استراتژی میلیتاریستی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر و بویژه پس از حمله به عراق و در شرایط بن بست کنونی این استراتژی، خواه ناخواه چارچوبهای سیاسی

پیشین خاورمیانه را بهم ریخته است. اکنون جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در خاورمیانه موقعیت دست بالایی، ولو موقت، در برابر آمریکا و اسرائیل پیدا کرده است. اکنون چه آمریکا، چه اسرائیل، چه اروپا، چه روسیه (که با توجه به شکست آمریکا در صدد است موقعیت شوروی سابق در خاورمیانه را برای خود کسب کند) و چه ناسیونالیسم عرب بعنوان یک نیروی منطقه ای مدعی سهم از نظم جهانی، با وضعیت جدیدی در خاورمیانه روبرو هستند که مشخصه آن تضعیف موقعیت قدرقدرتی آمریکا و تقویت موقعیت جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی است.

در این چارچوب سیاسی جدید، آمریکا و اسرائیل ناچارند در برابر پیشروی جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی به حل مساله فلسطین و به فشارهای ناسیونالیسم عرب، بیشتر از سالهای قبل گردن بگذارند. و دقیقاً در میان نقاط تمرکز اسلام سیاسی در منطقه یعنی جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی در عراق، حزب الله در لبنان و حماس و غیره در فلسطین، این حماس است که ضعیف ترین حلقه اسلام سیاسی است. اگر روزی اسرائیل و آمریکا به حماس و اسلام سیاسی نیاز داشتند تا برای عرفات و ناسیونالیسم عرب مزاحمت ایجاد کند، امروز برعکس، به محمود عباس و ناسیونالیسم عرب برای تضعیف حریف دست پرورده و طغیان کرده خود، یعنی اسلام سیاسی نیاز دارند. استقبال آمریکا و غرب و اسرائیل از اقدامات محمود عباس را در این چارچوب جدید سیاسی خاورمیانه ای و در رابطه با موقعیت کنونی آنها در توازن منطقه باید سنجید و فهمید.

در چنین شرایطی البته فشار اقتصادی و نظامی و تحمیل گرسنگی و ناامنی هرروزه به مردم غزه بهانه اسرائیل و غرب به بهانه حاکمیت حماس بر آن منطقه، علاوه بر جنبه شدیداً ضد مردمی و ضد انسانی آن، میتواند موقعیت حماس را در برابر محمود عباس در انتظار مردم تقویت کند. حماس و همه جریانات اسلام سیاسی تاریخاً از فلاکت و استیصال و ستمدیدگی مردم فلسطینی و عرب که حاصل جنگ و اشغالگری اسرائیل و آمریکا و ناتوانی ناسیونالیسم عرب در جوابگوئی به آن بوده است تغذیه کرده اند و هنوز می کنند.

پیشرو و آزادخواه در منطقه و جهان باید فشار مبارزه خود بر آمریکا و اسرائیل برای گردن نهادن به حل فوری مساله فلسطین از طریق برسمیت شناختن فوری دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی را ده چندان کنند. این یک راه واقعی کشیدن فرش از زیر پای اسلام سیاسی است. ما میگوئیم و تکرار میکنیم که دفاع از حل مساله فلسطین یعنی خاتمه دادن فوری به اشغال سرزمینهای فلسطینی توسط اسرائیل و برسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی، مقابله با قدری نظامی و جنگ افروزی جای دیگر دنیا، سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی مردم، خروج فوری آمریکا و متحدانش از عراق و تشکیل یک دولت سکولار و غیرقومی در این کشور و دفاع از سکولاریسم در خاورمیانه و همه جوامع اسلامزده، یک پلاتفرم مشترک دوره کنونی برای کمونیست ها و آزادخواهان در خاورمیانه و سراسر جهان است.



از صفحه ۱

اعتراض نامه را می شود در این پاراگراف متن مکتوب آنها دید:

”خواست حضور اسانلو در اجلاس ای ال او، آی سی اف تی ی، ای تی اف و ... خواست بورژوازی امریکا، خواست دولتهای عضو اتحادیه اروپا، شرط عضویت ایران در صندوق بین المللی پول، خواست اتحادیه های کارگری سرسپرده به نظام سرمایه داری، خواست سناتورهای جمهوریخواه و دموکرات ایالات متحده است. مسأله حمایت از سندیکای واحد بعنوان نماد سندیکاسازی سرمایه سالارانه علیه هر جنب و جوش ضد سرمایه داری طبقه کارگر ایران، بعنوان پایگاه حضور مستقیم رفرمیسم راست ارتجاعی سندیکالیستی در قلب جنبش کارگری ایران و بعنوان یک تکیه گاه موثق بورژوازی بین المللی برای رتق و فتق مناقشات درونی خود با دولت بورژوازی ایران راهکار مشترک همه این دولتها و قدرت هاست. آمادگی دولت بورژوازی ایران برای اعزام این سوگلی سندیکاسازی بورژوازی غرب به فدراسیون جهانی حمل و نقل گامی است که این رژیم در پاسخ خواست این مجامع و دولتها، با هدف نشان دادن حسن نیت برای عقب نشینی در مقابل چشمداشت های آنان و به امید جلب حمایت آنها برای کسب توان مقابله مؤثرتر با طبقه کارگر ایران و سرکوب باز هم گسترده تر مبارزات توده های کارگر بر می دارد.“

شفافیت موجود در این نوشته برای دوست و دشمن در جنبش کارگری، آنرا از هرگونه نقدی بی نیاز نموده است. این را باید به ای میل آنها فرستاد که در ایران دستی در سازماندهی کارگری دارند، تا در صورت وقت و حوصله

صدای اعتراض این فعالین جنبش لغو کار مزدی را بشنوند و خط و خطوط شان را خوب بشناسند. همین!

نوشته دیگر در همین رابطه خوشبختانه با امضای مشخص و متعلق به آقای فرهاد شعبانی است، که مینویسد:

”برای من بعنوان یکی از فعالین جنبش کارگری ایران، خروج اسانلو در این شرایط و به این شیوه، قرار گرفتنش در کنار مهدی کوهستانی نژاد همکار مرکز همبستگی آمریکائی، تبلیغ پیدایش صعه صدر در ذهنیت و عملکرد سران رژیم و تبلیغ اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابهام برانگیز و جای نگرانی است.“

نوشته آقای شعبانی اما متأسفانه توضیح میخواهد. ساهاست که کمپین های متعددی در خارج کشور خواهان اخراج نمایندگان تشکل های کارگری دست ساز رژیم از مجامع بین المللی و دعوت از نمایندگان واقعی تشکل های کارگری از ایران بوده است. اولین کسی که به عنوان نماینده یک تشکل واقعی کارگری از ایران امکان حضور در این مجامع را پیدا کرده است، مورد بازخواست قرار میگیرد که چرا و چگونه این حضور ممکن شده است. با این حساب هر فعال کارگری که به دنبال جنگ و گریز و زندان و شکنجه و تحمیل تشکل علنی امکان سفر و حضور در مجامع بین المللی را پیدا کرد، باید به فعالین کارگری امثال آقای شعبانی حساب پس بدهد! خواننده این سطور خود را در موقعیت اسانلو به عنوان رهبری جنگیده، خونی شده و زبان بریده کارگری قرار دهد، و حالا که امکان سر بلند کردن یافته، در مقابل مدعیان امثال آقای شعبانی خود را در موقعیت پاسخگو ببیند. چه احساسی به شما دست میدهد؟

نگرانی دیگر من از ابراز ”نگرانی“ آقای شعبانی از قرار گرفتن اسانلو در کنار

ارزیابی های سیاسی اش جواب دهند؟

سوال آخر من در مورد ”ابهام“ دیگر آقای شعبانی بر سر ”خروج اسانلو در این شرایط و به این شیوه“ است. در سالیهای اخیر سیل سفر فعالین سیاسی اجتماعی راست و بعضاً هم چپ، به خارج کشور، در شرایط متفاوت سیاسی، تماماً بدون ایجاد مانع از طرف رژیم اسلامی و ”به این شیوه“ انجام گرفته، و آنها هم شاهد سوال و ابهام کسی در مورد چگونگی سفرشان نبوده اند. در این وسط، سفر اسانلو تنها مورد سفر یک فعال کارگری به خارج کشور است. سوال من و ”ابهام“ من هم این است که چرا آقای شعبانی که خود را فعال جنبش کارگری معرفی میکند، چرا بویژه در مقابل چند و چون سفر وی این اندازه نگران و مبهم و ناروشن و خواستار پاسخ است؟ آیا من هم میتوانم نگران باشم که مشکل ایشان هم مثل مورد منتقدین اول به خاطر نگرانی از ضعیف شدن مبارزات ”ضد سرمایه داری“ کارگران و به تعویق افتادن ”لغو کار مزدی“ در اثر سفر اسانلو نبوده است؟

اصلاً گیرم مهدی کوهستانی نژاد با هدف تاثیر بر فعالین کارگری انجام وظیفه مترجمی را قبل کرده است. در اینصورت سوال من نوعی این است که آقای شعبانی هر نوع ظاهر شدن با همکاران موسسات آمریکایی را برای فعالین سیاسی ایرانی ممنوع میدانند؟ در اینصورت چرا رابطه با دولت آمریکایی مستقر در عراق مشکوک و مورد اعتراض ایشان نیست؟ سازمان سیاسی متبوع آقای شعبانی در هنگام دفاع از تحرکات قوم پرستان آذری که برای سازماندهی فعالیت هایشان در ایران نه فقط از آمریکا که از میت ترکیه هم رسماً کمک مالی دریافت میکنند، و این کار ”ابهام“ و ”نگرانی“ برای وی تولید نمیکنند.

ناسیونالیست های کرد نه فقط به طرح آمریکا برای ویرانی ایران که به سرباز ”نقشه خاورمیانه بزرگ“ بوش تبدیل شدند، و سازمان متبوع آقای شعبانی هم بدون ابزار نگرانی با آنها ظاهر میشد، به مناسبت پیروزی شان هم پیام می فرستاد و اصلاً نگران ظاهر شدن و دوستی با آنها هم نبود. آقای شعبانی میتواند به ”ابهام“ من در مورد به دست گرفتن این استاندار دوگانه برای

چپ ایران عادت دارد برای مبارزات ضد رژیمی

فداکاری کند، آکسیون راه پیماندازد و به هیجان در آید، بدون اینکه به کارگر سودی برسد. فعال کارگری ایدال این سنت کسی است که در شکل حرکت و اقدام میلیتانت و ”سازش ناپذیر“ است، بدون اینکه الزاماً تغییری در زندگی واقعی کارگر ایجاد کند. دست یافتن به جنس سیاسی چنین فعالینی در مراکز عظیم کارگری ممکن نیست، به این دلیل ساده که کارگران شاغل در این مراکز را نمیتوان طبق اراده هر روز به آکسیون و سر دادن شعار میلیتانت به خیابان کشاند. اینجا کار سوسیالیستی در اعماق و سازماندهی کمونیستی در میان شبکه فعالین و رهبران برای سازماندهی بزرگ و حرکت مؤثر با چشم انداز موفقیت معین است که جزو وظایف و مشغله های چپ سنتی ایران نیست. آنارکوسندیکالیسم عنوان دقیقی برای این سنت است، که در شکل و ظاهر میلیتانت و رادیکال است، اما در عمق از سازماندهی طبقاتی کارگر حول منافع و مطالبات سیاسی طبقاتی آن ناتوان و در دنیای واقعی دنباله رو رفرمیسم در جنبش کارگری است. مشغولیات آکسیونی در حاشیه جنبش کارگری و تحویل صمیمانه مراکز اصلی صنعت و قدرت کارگر به گرایش رفرمیست، غیر سیاسی و امکان گرا نتیجه عملکرد همین سنت در مبارزه چپ است.

اعتراض، سوال و ابهامات آقای شعبانی که اسانلو را به اندازه کافی ضد رژیم و ضد آمریکا نمیداند، بطور غریبی دل مشغولی های این سنت ضد رژیمی و آنارکوسندیکالیستی در درون چپ غیر کارگری را به نمایش میگذارد.



ضرورت...

که انسان ها را حول تحقق بهتر زیستن، رهائی از استثمار و ستم و تحقق آزادی و برابری نتنها سازمان بدهد بلکه روی زمین سفت قدرتمند تر کند. چنین حزبی تنها به عنوان لولای قدرت انسانیت و لولای قدرت روزانه و هر لحظه طبقه کارگر شانس شکل گیری دارد. در متن آنچه که به عنوان سنت چه در جامعه داده شده است این تغییر ریل در واقع یک انقلاب همه جانبه در تئوری سنتی حزبیت کمونیسم موجود است.

اما بعلاوه حزب ما این انقلاب را در خلاء و روی صفحه سفیدی انجام نمیدهد. مهمترین واقعیت هائی که باید در نظر داشت اینها هستند:

۱- ساختن چنین حزب کمونیستی ای یک پروژه عملی است. در مقابل تصویرهای سنتی چه سنتی در مورد "سر برآوردن حزب از میان توده ها"، "پیوند با طبقه کارگر"، "تبلیغ، ترویج و سازماندهی"، و یا ساختمان تدریجی آن از طریق "کار آرام سیاسی" چنین حزبی را تنها در متن، در بطن و در کوران سازمان دهی، متحد کردن قدرت طبقه کارگر و توده عظیم زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه ممکن

است. ساختن حزب در جدال روزمره ای است که در لحظه به لحظه زندگی اکثریت ساکنین کره زمین جاری است. این پروژه ساختن یک ارتش در متن یک جنگ تمام عیار سیاسی، اجتماعی، فکری و شبه نظامی است. بعلاوه برای ما ساختمان حزب نه در یک دوره متعارف بلکه در متن اوضاع به شدت متحول سیاسی ایران در یک مارپیچ دائم تغییر ضربان نبض تحرک انقلابی در ایران انجام میشود که جنبه های دائما متغیرتری به فعالیت حزب میدهد.

۲- اما پیچیده تر از امر ساختن یک ارتش در حین جنگ، فائق آمدن بر سنت ها، باورها، عادات، نرم ها و استانداردهای "طبیعی" و "خودبخودی" ای است که خود ما از گذشته حمل میکنیم. حتی وقتی هم که عادت ها و نرم های قدیمی چه سنتی را هم کنار میگذاریم، فشار توقع و انتظار محیط اطراف ما را به عقب میکشد. به اعتقاد من این فاکتور به مراتب از فشار اختناق در شکست کمونیسم تاثیر بیشتری داشته است و مهم ترین مانع در پیشروی حزب حکمتیست است.

این واقعیت ها و تلاش برای یافتن راه فائق آمدن بر آنها مضمون و موضوع بخش اعظم بحث های ما

در پلنوم ها و جلسات دفتر سیاسی بوده است. بعلاوه ما باید ساختن حزب سیاسی کمونیستی را در متن یکی از عظیم ترین تحولات تاریخ اخیر ایران پیش ببریم. تغییرات بنیادی که اوضاع سیاسی ایران و منطقه از سر میگذراند کل زمین سیاسی در ایران را شخم خواهد زد. جایگاه احزاب و سنت های سیاسی را به سرعت حال تغییر میدهد و شرایط و اولویت های جدیدی را در مقابل کمونیسم ما قرار میدهد.

شکست ناسیونالیسم ایرانی پروغرب در سرنگونی جمهوری اسلامی، تسلیم سیاسی و ایدئولوژیک این سنت ناسیونالیستی به جمهوری اسلامی، شکست سیاست "ضربه پیشگیرانه" دولت های دست راستی بوش و بلیر، تغییر تعادل قوای استراتژیک در منطقه به نفع جمهوری اسلامی، و مهمتر از آن کاهش خوش بینی مردم به امکان سرنگونی جمهوری اسلامی جنبه هائی از این تغییر هستند. سر آغاز این تغییرات بنیادی را ما در کنگره اول حزب پیش بینی و ترسیم کردیم.

جامعه ایران وارد یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ اخیر خود میشود. ناسیونالیسم عظمت طلب

پرو غرب جنبش اجتماعی است که در دوران اخیر بیش از همه افکار، انتظارات، امید ها و توقعات جامعه ایران در مقابل جمهوری اسلامی را رقم زده است. این جنبش در سایه سیاست های نئوناکسرواتیو های آمریکا و محدودیت های ذاتی ناسیونالیسم نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی شکست خورد بلکه از نظر ایدئولوژیک فرو ریخت. شکست این جنبش جامعه را در مقابل یک انتخاب دیگر قرار داده است. سوال این است که جامعه کدام جنبش را انتخاب میکند. یا به عبارت بهتر کدام جنبش خود را به جامعه می قبولاند؟

این موقعیت حزب ما را نیازمند پاسخ گوئی به نیاز های یک دوره به شدت غیر متعارف و ایجاد تحول بنیادی در فعالیت خود میکند. در دو پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب و کمیته مرکزی حزب و بویژه در جلسه اخیر دفتر سیاسی این تغییرات پایه ای در اوضاع سیاسی ایران و موقعیت کنونی و وظایف دوره ای و فوری حزب حکمتیست موضوع اصلی بحث بودند. این بحث ها باز شده اند و نتیجه گیری اولیه از آنها شده اند. این پروسه باید حداکثر تا کنگره دوم حزب که در اکتبر ۲۰۰۷ برگزار میشود به نتیجه نهائی برسد.

دفتر سیاسی و کمیته رهبری حزب در پاسخ گوئی به این ضروریات اقدامات عملی اولیه ای را در مکانیسم های رهبری (نقش کمیته های کمونیستی و حزبی) تصویب کرده که بعضا در قرار های مصوب دفتر سیاسی (رک کمونیست شماره ۱۴۹) منعکس است.

در همین رابطه کمیته رهبری نیز تغییراتی را در سازمان تبلیغات حزب ایجاد کرده است که سند آن را در زیر میخوانید.

در نتیجه این تغییرات کمونیست هفتگی، کمونیست ماهانه و نشریه حکمت فعلا منتشر نخواهند شد. بجای این نشریات کل انرژی تبلیغاتی و نوشتاری حزب حول محور های زیر سازمان داده میشود.

۱- انتشار یک نشریه (نشریه کمونیست) که در قطع 3A در حدود ۳۶ صفحه با فرکانس حدود ۱۰ شماره در سال

۲- ایجاد سازمان تلویزیون و تمرکز تبلیغات بر برنامه های روزانه تلویزیون پرتو.

سایر تغییرات تا آنجا که اعلام آنها بشکل علنی مناسب باشد به تدریج به اطلاع خواهد رسید.

تغییر در سازمان تبلیغات حزب و در نشریه کمونیست

طرح تجدید آرایش سازمان های مرکزی حزب

مصوب کمیته رهبری

۲- سازمان تلویزیون به عنوان یک سازمان مستقل تابع سازمان مرکزی حزب ایجاد میشود. سازمان تلویزیون یک سازمان رسمی حزب است. بخشی از سازمان مرکزی حزب است. توسط یک کمیته انتصابی اداره میشود.

۳- این کمیته هر دو سال یک بار مجددا تعیین میشود

مرکزی و معاون او محول میشود

الف - سازمان تلویزیون

۱- تبلیغات حزب از نشریات مختلف و متعدد اساسا به تلویزیون پرتو (بخش فارسی و کردی) و صدور بیانیه ها و اعلامیه های حزب و کمیته های حزبی منتقل میشود.

کمیته رهبری در مشورت با دفتر سیاسی تغییراتی را در سازمان مرکزی حزب به وجود خواهد آورد.

بخش اول تبلیغات حزب

تغییرات زیر در سازمان تبلیغاتی حزب مورد تصویب قرار میگیرد و اجرای آن را به دبیر کمیته

کارگر و تامین هژمونی خطی حزب بر کل چه در اوضاع جدید سیاسی ایران

۴- ضرورت کاستن جدی از تعداد کسانی که در بیش از یک ارگان نشسته عضو هستند

۵- کاستن جدی از جلسات اینترنتی و اتکا بر جلسات حضوری

با توجه به :

۱- بکار افتادن تلویزیون هر روزه حزب که نیازمند تخصیص انرژی زیادی است

۲- ضرورت تخصیص انرژی لازم برای ساختن حزب در همه ابعاد نظری

۳- سازمانی و اجتماعی بویژه در نفوذ به درون بخش های کلیدی طبقه

- ۴ - کمیته تلویزیون موظف است که:
- الف - تضمین کند که تلویزیون ابزاری موثر برای جا انداختن سیاست و خط حزب در جامعه و جلب وسیعترین سمپاتی به حزب است. این کار باید از طریق تولید و پخش برنامه های مدرن، غیر شعاری، جذاب و پر بیننده انجام گیرد.
- ب - تضمین کند اعضای سازمان تلویزیون همیشه به خط، دارای یک سازمان موثر و پر راندمان هستند. مسئولیت سیاسی و تشکیلاتی همه اعضای سازمان تلویزیون با کمیته تلویزیون است.
- پ - از نظر مالی تلویزیون را خود کفا کند. منابع مالی کمیته تلویزیون عبارتند از:
- ۱ - فروش ساعات پخش بر حزب
 - ۲ - فروش ساعات پخش به دیگران
 - ۳ - جمع آوری کمک مالی
- ت - طرف حساب حزب با کنگره آزادی عراق و شرکت های مختلف درگیر در کار تلویزیون باشد.
- ث - تلویزیون پرتو مستقیما از طریق اینترنت پخش شود و آرشیو برنامه های آن قابل دسترس باشند
- ج - شبکه خبرنگاری در سازمان های مختلف حزب را آموزش دهد. این شبکه تابع کمیته های محلی حزب خواهند بود.
- چ - ساعات غیر قابل فروش تلویزیون (خارج از ساعات عادی) را برای ترویج و آموزش کمونیستی و همینطور اداره تشکیلات در اختیار کمیته تشکیلات کل کشور، کمیته کردستان، کمیته خارج و بنیاد آموزشی مارکس - انگلس قرار دهد.
- ۵ - کمیته تلویزیون حق دارد که:
- الف - در مورد همه جنبه های سازمانی و اجرایی فعالیت تلویزیون پرتو تصمیم گیری کند. محدوده دخالت کمیته رهبری در نحوه فعالیت این کمیته منطبق بر اسناد حزب در مورد حدود اختیارات کمیته های حزبی خواهد بود.
- ب - برنامه های تلویزیون پرتو، سازمان درونی آن و حدود اختیار تهیه کنندگان را تعیین کند.
- ت - کمیته تلویزیون ارگان پذیرش افراد جدید به این سازمان و یا انتقال افراد از سازمان تلویزیون به سازمان های دیگر است.
- ث - عضویت در سازمان تلویزیون موقتی است. فرد
- از سازمان پایه خود بطور موقت به سازمان تلویزیون منتقل میشود. در صورت پایان کار او در سازمان تلویزیون اتوماتیک به سازمان پایه خود منتقل میشود.
- ۶ - عضویت در کمیته تلویزیون مستلزم آن است که شخص عضو هیچ نهاد یا ارگان نشسته دیگری نباشد
- ۷ - عضویت در سازمان تلویزیون مستلزم آن است که شخص انجام کار معین و تعریف شده ای را بر عهده بگیرد و رسماً به سازمان تلویزیون منتقل شود.
- ۸ - حمایت از سازمان تلویزیون یکی از اولویت های اساسی تشکیلات انگلیس است. هر عضو تشکیلات انگلیس که سازمان تلویزیون خواستار انتقال او به این سازمان باشد است به سازمان تلویزیون منتقل میشود. در شرایطی که کمیته انگلیس موافق نباشد مسئله برای تصمیم گیری به کمیته رهبری ارجاع داده میشود.
- ۹ - مسئولیت اداره سایت حزب با سازمان تلویزیون است.
- الف - سایت حزب منعکس کننده خط، سیاست ها و جهت گیری های نظری و عملی حزب است.
- ب - سایت حزب باید یک سایت مدرن و کارا برای معرفی حزب، مواضع آن و قابل دسترس کردن اسناد و ادبیات حزب باشد
- پ - سایت حزب صفحات داخلی را به اخبار، اعلامیه ها و بیانیه های کمیته های مختلف حزبی اختصاص میدهد.
- ت - سایت حزب ترتیب پخش و آرشیو برنامه های تلویزیون پرتو و برنامه های آموزشی و سازمانی حزب را باید بدهد.
- ث - ایران تریبون سایت مستقلی است که مورد حمایت ماست و تلاش میکنیم آن را تقویت کنیم.

ب - کمونیست و نشریات و سایت های مرکزی حزب

- ۱ - انتشار نشریه کمونیست هفتگی و کمونیست ماهانه، حکمت فعلا متوقف میشود.
- ۲ - کل انرژی به بخش های دیگر اختصاص داده میشود. اعضای تحریریه مرکزی به نهاد ها و کمیته های دیگر حزب منتقل میشوند.



دستور اجراء گذاشت و از هیئت اجرایی منتخب اکیدا خواست که فعالیت های روزانه حزب در خارج کشور را با جدیت تمام مراقبت و دنبال کند.

کمیته خارج کشور حزب حکمتیست

۱۸ ژوئن ۲۰۰۷

که یک هیئت اجرایی ۵ نفره را برای تسریع فعالیت های انتخاباتی به این ترتیب به همراه ثریا خضری دبیر کمیته و لادن داور خزانه دار، رفقا سعید آرمان، سوسن هجرت و عباس رضایی، بعنوان هیئت اجرایی توسط اعضای کمیته خارج انتخاب شدند.

کمیته خارج ضمن تاکید بر اهمیت دخالتگری بیشتر این کمیته، پاره ای اقدامات عاجل را در

باید برای دوره آتی در دستور خود بگذارد را مورد بحث قرار داد. کمیته در اولین نشست، انتخابات برای دبیر را نیز در دستور گذاشت. اعضاء کمیته از میان دو کاندیدا: رفقا مهرنوش موسوی و ثریا خضری، با اکثریت آراء ثریا خضری را به دبیری کمیته خارج کشور برگزیدند.

کمیته بعد از تبادل نظر بر سر آرایش مناسب برای پیشبرد فعالیت های حزب در دوره آتی، تصویب کرد

اطلاعیه کمیته خارج کشور حزب حکمتیست نشست کمیته خارج حزب حکمتیست و آرایش جدید آن

کمیته خارج کشور حزب حکمتیست طی دو نشست روتین خود در یکم و پانزدهم ژوئن ۲۰۰۷، با نگاهی به فعالیت های حزب در خارج و نقش این کمیته در دوره گذشته، فوری ترین اقداماتی که

پرووکاتور ها را باید ایزوله کرد

عروج چپ در فضای سیاسی ایران نقد و نفی را با هم همراه آورده است که کاملاً طبیعی است. موجودیت جدیدی به صحنه سیاست ایران اضافه شده است که دو عکس العمل را بوجود آورده است.

اول کسانی که به استقبال این رنسانس انسانیت رفته اند و چه با نقد و چه با ترویج و توضیح در پی تعمیق و گسترش این رگه در سیاست ایران هستند.

دوم اما عکس العمل جریانات و کسانی است که دل به مرگ کمونیسم در پی شکست بلوک شرق و سرکوب ها و قتل عام های جمهوری اسلامی خوش کرده بودند. میدان سیاست علنی اپوزیسیون را ملک طلق اسلامی های

نیم یز و ناسیونالیست های رنگارنگ فرض گرفته اند. این میدان در مقابل چشمان نا باور اینها دارد به تصرف نافی هر دو یعنی چپی که یک میلیون بار مرگ آن را اعلام کرده و برایش جشن ترحیم گرفته بودند در می آید. این دسته هم دست پاچه مجدداً برای بار هزار و یکم به جنگ فکری و قلمی با کمونیسم آمده اند. اما کاش همه مسئله همین بود. برای یک کمونیست چه فرصتی بهتر از این که بجای رودرروئی با فتوا و پلیس، پاسدار و اطلاعات، و حراست و تفنگ و باتوم با مغزی که احياناً در پشت این ابزار ها قرار دارد وارد جدل شود و معنی منطق پشت تحمیق و چماق را به همگان نشان دهد.

اما کار به اینجا خاتمه نمیابد. در این "نقد فکری" چپ توسط راست شاهد کمک گیری آنها از

فضائی هستیم که جمهوری اسلامی خلق کرده است. در نوشته های اخیر در نشریات و سایت ها بطور روز افزونی شاهد نسبت دادن تعلق سیاسی و فکری چپ به این یا آن سازمان و حزب کمونیستی و یا به این یا آن شخصیت غیر قانونی و "مهدور الدم" کمونیست است.

کسی که در جدل با یک شخصیت واقعی، علنی و حقیقی در ایران او را به یک حزب سیاسی و یا شخصیت به شدت غیر قانونی که تماس با آنها جرم محسوب میشود نسبت میدهد انتظار دارد که طرف مقابل چه عکس العملی نشان دهد؟ از آن حزب یا آن شخصیت کمونیست دفاع کند؟ میشود انتظار داشت که بحثی که از طرف مقابل به جنبش غیر قانونی نسبت داده شده است را دنبال کند؟ از کمونیست های

شناخته شده "تبری جوید"؟ واقعیت این است که کسی که این کار را میکند تلاش دارد طرف مقابل خود را با نشان دادن اوین و قزل حصار به سکوت مجبور کند.

هیچ انسانی که یک نخود عقل و احساس مسئولیت دارد برای مبارزه "فکری" با چپ به فضای پلیسی جمهوری اسلامی پشت نمیدهد. تنها حکمی که میشود داد این است که این شگرد آگاهانه بکار گرفته میشود و تحریک پلیس علیه فعالین کمونیست و یا مجبور کردن آنها به سکوت و پس کشیدن از صحنه مبارزه علنی است.

تاسف بیشتر این است که حتی بعضی از دلسوزان این چپ هم از حب یا بغض این فضا را ندیده می گیرند و متوجه محدودیت ها و خطراتی که چنین پرووکاسیونی برای چپ در

حال عروج در ایران دارد نیستند. نقد نظرات افراد ضرب جمهوری اسلامی نیازمند انتصاب آنها به کسی یا جایی نیست باید روی مستقلاً و روی پای خود انجام شود

ما از همه سازمان ها و جریانات سیاسی و از همه سایت ها و نشریات میخواهیم که اجازه چنین پرووکاسیون هائی را ندهند. اجازه ندهند که از امکانات آنان برای نا امن کردن انسانیت در ایران استفاده شود. پرووکاتور و پرووکاسیون باید منزوی و طرد شوند.

حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست

۲۱ ژوئن ۲۰۰۷

۳۱ خرداد ۱۳۸۶

کمونیست و از فواد عبداللہی آخرین سردبیر صمیمانه قدر دانی میکنم و برای آنها در مسئولیت های جدیدشان آرزوی موفقیت دارم.

کوروش مدرسی

۲۲ ژوئن ۲۰۰۷

کردن جا برای پذیرش مسئولیت از جانب جوانانی است که متاخرتر قدم به این میدان گذاشته اند، امری که باید وسیعاً گسترش یابد.

از جانب کمیته رهبری حزب از تحریریه مرکزی، از همه سردبیران تا کنونی

برعهده بگیرند. بعلاوه آخرین سردبیر کمونیست فواد عبداللہی بود. سردبیری کمونیست برای فواد قطعاً یک قدم به پیش در پذیرش مسئولیت در حزب بود. اما مهمتر اینکه قدم بزرگتری برای حزب در اعتماد کردن و باز

سردبیران کمونیست بود. اما بن تجربه ای بسیار مثبت بود. حزب ما با این کار علاوه بر انتشار یک نشریه کمونیستی جا افتاده و تیز صاحب تعداد به نسبت زیادی از کسانی شد که میتوانند به سادگی سردبیری یک نشریه را

قدر دانی از مسئولین کمونیست

ایجاد تحریریه مرکزی و سر دبیری نوبتی کمونیست تجربه جدیدی برای ما و برای بسیاری از

سومین کنفرانس سالانه تشکیلات کانادای حزب حکمتیست با موفقیت برگزار شد

به عنوان دبیر، مصطفی یونسی معاون دبیر و احمد مطلق را به عنوان خزانه دار انتخاب کرد.

تشکیلات کانادای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



کودکان... در ایران خواهد بود.

این کنفرانس بر این نکته تاکید کرد که این تلاشها و فعالیتها بایستی به نیرو، فعالیت و دخالت مستقیم جامعه ایرانی در کانادا متکی باشد.

آخرین بخش کنفرانس به انتخابات کمیته کانادا اختصاص داده شد که مینوهمیلی، احمد مطلق، مصطفی یونسی به عنوان کمیته کانادا انتخاب شد.

میته کانادا در اولین جلسه رسمی خود مینوهمیلی را

سازنده و رو به جلو رامطرح کردند.

کنفرانس براین تاکید گذشت که فعالیت دوره آتی ما در کانادا سازمان دادن یک تشکیلات مدرن درخور حزب حکمتیست و برای دفاع از دستاوردها و ارزشهای انسانی و سکولار در جامعه، دفاع از حقوق زنان، کودکان و پناهندگان، دفاع از آزادی حق و حرمت انسانی و جلب حمایت بیشتر برای جنبشها و مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان و

سیاسی حزب با اعضای حزب و میهمانان در باره تحولات سیاسی ایران و جهان، نقش حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن اختصاص داده شد.

سپس کنفرانس با گزارش مینوهمیلی دبیر کمیته کانادا به کار خود ادامه داد. وی به یکسال از فعالیتهای تشکیلات کانادا در عرصه های مختلف اشاره کرد. شرکت کنندگان در کنفرانس با دخالت در مباحث جوانب مختلف گزارش، موانع ایندوره را بررسی و پیشنهادات

روز جمعه هشت ژوئن ۲۰۰۷ سومین کنفرانس تشکیلات کانادای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با حضور اعضای حزب، هیئتی از تشکیلات کانادای حزب کمونیست کارگری عراق و میهمانان، با تصویب آییننامه کنفرانس افتتاحیه مینوهمیلی، سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز بکار کرد.

بخش اول کنفرانس به سخنرانی و گفت و شنود فاتح شیخ رئیس دفتر

جلو این جنایت را باید گرفت!

جنایتکاران حکومت اسلامی یک بار دیگر در تدارک انجام وحشیانه ترین و ضد انسانی ترین احکام "قضائی" خود هستند. قرار است فردا پنجشنبه ساعت ۹ صبح در "مقابل بهشت زهرا" در تاکستان قزوین، شیادان اسلامی بساط کثیف سنگسارشان را پهن کنند و مکره ابراهیمی، ۴۳ ساله و پدر فرزندش را در ملا عام سنگسار کنند.

مردم!

باید این حکم را ملغی کرد! نباید گذاشت ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی و احکام وقیحانه سنگسار آن بیش از این جان انسانهای شرافتمند و آزاده را بگیرد.

از هر راهی برایتان ممکن است مانع سنگسار این دو نفر شوید. ممانعت از سنگسار این دو انسان شریف دفاع از حرمت و کرامت انسانی، دفاع از حق زیستن و دوست داشتن است. هنوز دیر نشده است میتوان و باید این صحنه وحشیانه را بر علیه این حکومت و صادر کنندگان این حکم تبدیل کرد. باید با دفاع از جان مکره و پدر فرزندش به اوباش جمهوری اسلامی نشان داد که نه قوانین ارتجاعی و ضد انسانی اش، نه حاکمیت سیاه را نمی خواهیم.

از همه مدافعین حقوق انسان میخواهیم برای نجات جان این دو انسان شریف تلاش کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳۰ خرداد ۸۶

گزارش مراسم هفته حکمت در کانادا

به مناسبت هفته حکمت

روزشنبه ژوئن ۲۰۰۷ مرا سمی از طرف تشکیلات کانادای حزب حکمتیست و حزب کمونیست کارگری عراق در تورونتو برگزار شد

و دو سخنرانی جامع از فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست به زبان فارسی تحت عنوان استراتژی "نظم نوین جهانی" آمریکا متدولوژی و تحلیل منصور حکمت در برخورد به آن و به زبان کردی تحت عنوان منصور حکمت و سیاست کمونیستی در عراق (و کردستان عراق) ارائه شد. دستداران منصور حکمت در این مراسم فعالانه به بحث و گفتگو پرداختند.

تشکیلات کانادای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



کمکهای مالی که به چاپ ضمیمه ۲ منتخب آثار منصور حکمت شده است	
مختار محمدی کرون ۵۰	نروژ:
فرج شهابی کرون ۵۰	کامیل احمد، غفار غلام ویسی، بهار مونزیر، ناصر مرادی، ملکه عزتی و داریوش نیکنام:
امیر نسیمی کرون ۵۰	۶۰۵۰ کرون نروژ
محمد خدری کرون ۵۰	فنلاند:
بهنام آرانی کرون ۵۰	اسماعیل ویسی ۸ یورو
محمد فضلی کرون ۴۵۰	رضا کمانگ ۴ یورو
شمه حکیمی کرون ۳۵۰	مصطفی باهیر ۴ یورو
سیفه حیدری کرون ۱۵۰	خالد صالح ۴ یورو
ریبوار کرون ۵۰	جمال کارگر ۴ یورو
عبدالله محمود کرون ۵۰	جلال حسین زاده ۴ یورو
فارس محمود کرون ۵۰	سوئد:
هلاله رافع کرون ۵۰	رسول بناوند کرون ۵۰
جمال ایوب کرون ۵۰	محمود یمینان کرون ۳۵۰
ثویبه محمدیان و حبیب مردی کرون ۳۵۰	سدید سفیدی ۱۰۰ کرون
صلاح کفاشی کرون ۱۵۰	نسرین و بهمن کرون ۵۰
حاجی رنجکشان کرون ۵۰	
محمود شهابی کرون ۲۵۰	
یدی گلچینی کرون ۵۰	
مریم افراسیابپور کرون ۵۰	

برنامه های هر روزه "پرتو" از کانال ۶

برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران از کانال ۶ روی ماهواره "هات برد" پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر به وقت تهران تکرار میشود.

علاوه بر این روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به زبان کردی نیز برنامه دارد.

مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8

Orbital Position: 13 degrees East

Transponder: 14

Downlink Frequency: 11 470

Downlink Polarity: Vertical

FEC: 5/6

Symbol Rate: 27,500

با تلویزیون پرتو همکاری کنید و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانند

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!